

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی  
 • مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب  
 • سردبیر: حسام‌الدین برومند  
 • معاون فنی: محمدملاعلی اکبری  
 • دبیران: مصطفی عبوسی (سیاسی)  
 • مهدی مهرپور (اقتصادی)  
 • مصطفی وثوق کیا (فرهنگی)

• زین رستمی (وند اجتماعی) • بنفشه غلامی (جهان)  
 • لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیزی (گزارش)  
 • زهرا کشوری (زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار (حوادث)  
 • مهدی کلهرزاد (اجرای)  
 • حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)  
 • محسن جانی پور (ویراستاری)  
 • ابوالفضل نسایی (عکس)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵  
 • پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸  
 • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰  
 • چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام جم  
 • سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT  
 • پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)  
 • انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



دوماه رفته ز پاییز و برگ‌ها همه زرد  
 فضای شعران، از باد مهوگان، برگرد  
 هوای دزدیده از قرب ماه آذر سرد  
 پس از جوانی پیری پود چه باید کرد؟  
 بهار سبزه پاییز زرد شد منجر

میرزاده عشقی

## نقل قول

## زنان ایرانی فرهنگ غنی و عزت نفس دارند



هورا کویبسی  
 فعال رسانه‌ای  
 از کشور لبنان

حوزه زنان یکی از حوزه‌های بسیار مهم و اثرگذار در رسانه‌های دنیا محسوب می‌شود که امروزه توجه بسیاری از مردم را به خود جلب کرده است. من تا به حال ۹ مرتبه به ایران سفر کرده‌ام و در این سفرها توانسته‌ام ارتباطات خوبی با زنان ایرانی برقرار کنم. چنانکه متوجه شده‌ام زنان ایرانی دارای فرهنگ غنی و با عزت نفس هستند که در عین رعایت هنجارهای اجتماعی تلاش می‌کنند در عرصه اجتماعی هم فعالیت داشته باشند. سوز رسانه‌های کشورهای غربی مطرح می‌شود، زنان ایران افرادی قوی و فعال هستند. حتی در رده‌های بالای مدیریتی جمهوری اسلامی ایران زنان زیادی فعالیت دارند و این نکته نشان می‌دهد که دولت و نظام این کشور هم نه تنها مانعی برای رشد زنان و محدودکننده فعالیت آنها نیست، بلکه مسیر را برای پیشرفت و رشد زنان باز گذاشته و به آنها کمک می‌کند.

بخشی از گفت‌وگوی  
 تسنیم با هورا کویبسی،  
 فعال رسانه‌ای از کشور  
 لبنان

هورا کویبسی  
 فعال رسانه‌ای  
 از کشور لبنان

حوزه زنان یکی از حوزه‌های بسیار مهم و اثرگذار در رسانه‌های دنیا محسوب می‌شود که امروزه توجه بسیاری از مردم را به خود جلب کرده است. من تا به حال ۹ مرتبه به ایران سفر کرده‌ام و در این سفرها توانسته‌ام ارتباطات خوبی با زنان ایرانی برقرار کنم. چنانکه متوجه شده‌ام زنان ایرانی دارای فرهنگ غنی و با عزت نفس هستند که در عین رعایت هنجارهای اجتماعی تلاش می‌کنند در عرصه اجتماعی هم فعالیت داشته باشند. سوز رسانه‌های کشورهای غربی مطرح می‌شود، زنان ایران افرادی قوی و فعال هستند. حتی در رده‌های بالای مدیریتی جمهوری اسلامی ایران زنان زیادی فعالیت دارند و این نکته نشان می‌دهد که دولت و نظام این کشور هم نه تنها مانعی برای رشد زنان و محدودکننده فعالیت آنها نیست، بلکه مسیر را برای پیشرفت و رشد زنان باز گذاشته و به آنها کمک می‌کند.

بخشی از گفت‌وگوی  
 تسنیم با هورا کویبسی،  
 فعال رسانه‌ای از کشور  
 لبنان

## یادداشت

### نگاهی به دنباله‌سازی‌های نمایشی به بهانه عرضه فصل دوم سریال «زخم کاری» تیغ دو لبه



مازیار معانی  
 منتقد

ساخت دنباله‌های جدید برای آثار نمایشی که از دهه‌های دور در دو مدیوم سینما و تلویزیون متداول بوده از آن موقعیت‌های به ظاهر آسان و بی‌دردسری در باطن پرچالش و پرمخاطره‌ای است که شانس سربلند بیرون آمدن از آن زیاد نیست. تاریخچه این دو رسانه نمایشی پر است از دنباله‌هایی که با امید بسیار و در پی موفقیت چشمگیر فصل اول ساخته شده ولی در عمل نتیجه‌ای بجز ناکامی و حتی مخدوش شدن حس خوشایند فصل اول بر جای نگذاشتند؛ اتفاقی که افزون بر مصادیق بین‌المللی نظیر دنباله‌های «جیمز باند» در دو دهه گذشته و فصل نازل پایانی سریال‌هایی همچون «فرار از زندان»، «بازی تاج و تخت» و «خانه پوشالی» در کشور خودمان به خصوص در تلویزیون نمونه‌هایی کم نبوده و با اندکی تأمل چندین اسم به ذهن بینندگان این رسانه از سریال‌های دور و نزدیک تلویزیونی متبادر می‌شود. مجموعه‌هایی نظیر «زیر آسمان شهر» و «روزگار جوانی» نمونه‌هایی از آثار شناخته شده تلویزیونی در دو دهه اخیر هستند که فصل نخست‌شان درخشان، فصل دوم‌شان قابل قبول و فصل سوم‌شان غیر قابل تحمل بود آنگونه که مهران غفوران (کارگردان زیر آسمان شهر) و اصغر توسلی (کارگردان روزگار جوانی) در پی اصرار بر دنباله‌سازی تا سال‌های زیادی از عرصه کارگردانی دور ماندند. اتفاقی که در خصوص سریال نمایش خانگی «گیسو» نیز رخ داد که فصل دوم سریال متوسط «عاشقانه» محسوب می‌شد و البته در میان آثار نمایشی دنباله‌دار نمونه‌های محدودی هم وجود داشته‌اند که از آفات معمول دنباله‌سازی مصون مانده و حتی اگر هم نسبت به فصل‌های نخست خود آفت داشته‌اند این تنزل در اندازه‌های نبوده که به موفقیت و خاطره خوش به جا مانده از فصل اولی آسیب جدی وارد کند و سیر آبرومند خود را تا به آخر ادامه داده است، شاید یکی از بهترین این نوع دنباله‌سازی سریال ۳ فصلی «لیسانسه‌ها» در قبال تلویزیون و سریال به یاد ماندنی «شهرزاد» در مدیوم نمایش خانگی باشد که کارشان تا به آخر با معدلی قابل قبول و با آفتی نه چندان فاحش به پایان رسید؛ مصادیقی که در مقابل فهرست پرشمار دنباله‌های ناموفق نمایشی چندان به چشم نمی‌آیند.

در تحلیل چرایی عدم توفیق دنباله‌سازی‌ها اگرچه بیشترین اتهام متوجه کارگردانان این آثار می‌شود ولی واقعیت اینجاست که فشار و اصرار سرمایه‌گذاران آثار سینمایی و سریال‌های نمایش خانگی که از فروش و دیده شدن فصل اول کار هیجان زده‌اند از یک سو و اتمسفر عمومی حاکم بر جامعه مخاطب عام که فراتر از آموزه‌های علمی نمایشی و محتوا و بین مایه این آثار، سرنوشت نهایی

القصه بار و بنه بسته، سیخ و منقل مهیا کرده به راه افتادیم. از آنجایی که در زینت و شوهرداری به هزار هنر زینت داریم و از در فهم و کمالات سرآمدیم از ابتدای مسیر مداوم تخمه شکسته مغز خارج کرده مشت مشت به اکرام و احترام گذاشتیم کف دست آقای او. خودمان چای فوت کردیم به انضمام قند گذاشتیم لب دهنش. نان و کنتل شام کردیم به بله گرفتیم گذاشتیم کنار دنده که هر نوبه میش کشید نوش جان کند. الغرض هرچه هنر در چنته داشتیم روز کردیم مبادا خستگی رانندگی به جانش بیفتد لکن از تونل دوم به بعد ترافیک عارض شده هیچ اتولی مجال حرکت نداشت. اندک اندک آفتاب رسید صدر آسمان از گرما و تجمع و تراکم، خلق مان تنگ شده به سرگدا افتادیم. دل‌مان آشوب شده کلاب به روتیان هرچه دستتر و نان و پنیر و کنتل و چیپس و چای و لواشک و خیار و تخمه تناول کرده بودیم حاق دل و روده‌مان چرخ زده در رفت و آمد بود. همین حین سایرین انگار به مقصد رسیده باشند اتول‌شان ترک کرده، حوالی اکتاف جاده به سیر و سیاحت پرداخته و تیغ دره ایستاده و سلفی می‌گرفتند. منقل به راه کرده کباب طبخ می‌کردند. قلیان چاق کرده هندوانه قاچ می‌کردند... القصه انگار نه انگار گره کور به جاده افتاده کانهو اسرا زنجیر شده‌ایم!

چند ساعتی به همین منوال گذشت تا آخرالامر فتوح حاصل شده راه هموار شد. چه‌ها گذشت و چطور رسیدیم بماند. به هر طریق رسیدیم. جاگیر شده بار و بندیل و آورده ولو شده چند ساعتی خوابیدیم تا گیر و گرفت بند بند تن‌مان از این همه وقت یک جا ننشستن باز شود. بیدار که شدیم گفتیم برویم ساحل با دریا دیدار تازه کنیم نفس‌مان تازه شود. بساط منقل و کباب به راه کردیم همان جالب آب، نوش جان کنیم. آفتاب شهرپور خوش بود و نسیمش مطبوع. جای شما خالی. آقای پسر پاچه‌های تنبان تا زده. لب آب مشغول بازی بود، از آن طرف آقای او داشت زغال باد می‌زد و خودمان هم که در به سیخ کشیدن چوجه‌ها ماهر و حاذق و زبردستیم مشغول بودیم که بفتتا کانهو قلیلی که روی دور تند باشد آسمان ابری شد و تا بیاییم به خودمان بچنینم باریدن گرفت به سیاقی که آتش منقل خاموش شده تشت جوجه‌ها غرق آب شد!

به طرقة‌العینی جمع و جور کرده به منزل مراجعت کردیم. جوجه‌ها را شسته، حاق قابلمه آب‌پز کردیم و خوردیم و عیش‌مان منقص شد. آن روز پشت پنجره به تماشای باران گذشت. فردایش به تماشای باران پشت پنجره گذشت... یک هفته تمام آسمان کانهو اشک چشم مادر فرزند از دست داده لایتنق طبع بارید. فرجه ما تمام شد بار بسته عزم مراجعت به شهر خودمان کردیم. از قدیم شنیده بودیم آسمان ولایات بریتانیا زده می‌بارد لکن هیچ کس جایی ننوشته بود آسمان شمال از بریتانیا هم زیادتر می‌بارد و عیش آدم منقص شده بدون جوجه لب دریا بوی ماه مدرسه در می‌آید.



البته در میان آثار نمایشی دنباله‌دار نمونه‌های محدودی هم وجود داشته‌اند که از آفات معمول دنباله‌سازی مصون مانده و حتی اگر هم نسبت به فصل‌های نخست خود آفت داشته‌اند این تنزل در اندازه‌های نبوده که به موفقیت و خاطره خوش به جا مانده از فصل اولی آسیب جدی وارد کند و سیر آبرومند خود را تا به آخر ادامه داده است

## طنز

### ماجراهای خانم آقای او

#### آسمان (شمال)، زیاده‌می‌بارد

اواخر تابستان گفتیم تا تعطیلات تمام نشده بوی ماه مدرسه در نیامده، برویم سفر. هرچه کردیم دیدیم به لحاظ بعد مسافت جز همین جاده جالوس خودمان و ولایات مازندران، هیچ مقصدی به صلاح نیست.

القصه بار و بنه بسته، سیخ و منقل مهیا کرده به راه افتادیم. از آنجایی که در زینت و شوهرداری به هزار هنر زینت داریم و از در فهم و کمالات سرآمدیم از ابتدای مسیر مداوم تخمه شکسته مغز خارج کرده مشت مشت به اکرام و احترام گذاشتیم کف دست آقای او. خودمان چای فوت کردیم به انضمام قند گذاشتیم لب دهنش. نان و کنتل شام کردیم به بله گرفتیم گذاشتیم کنار دنده که هر نوبه میش کشید نوش جان کند. الغرض هرچه هنر در چنته داشتیم روز کردیم مبادا خستگی رانندگی به جانش بیفتد لکن از تونل دوم به بعد ترافیک عارض شده هیچ اتولی مجال حرکت نداشت. اندک اندک آفتاب رسید صدر آسمان از گرما و تجمع و تراکم، خلق مان تنگ شده به سرگدا افتادیم. دل‌مان آشوب شده کلاب به روتیان هرچه دستتر و نان و پنیر و کنتل و چیپس و چای و لواشک و خیار و تخمه تناول کرده بودیم حاق دل و روده‌مان چرخ زده در رفت و آمد بود. همین حین سایرین انگار به مقصد رسیده باشند اتول‌شان ترک کرده، حوالی اکتاف جاده به سیر و سیاحت پرداخته و تیغ دره ایستاده و سلفی می‌گرفتند. منقل به راه کرده کباب طبخ می‌کردند. قلیان چاق کرده هندوانه قاچ می‌کردند... القصه انگار نه انگار گره کور به جاده افتاده کانهو اسرا زنجیر شده‌ایم!

چند ساعتی به همین منوال گذشت تا آخرالامر فتوح حاصل شده راه هموار شد. چه‌ها گذشت و چطور رسیدیم بماند. به هر طریق رسیدیم. جاگیر شده بار و بندیل و آورده ولو شده چند ساعتی خوابیدیم تا گیر و گرفت بند بند تن‌مان از این همه وقت یک جا ننشستن باز شود. بیدار که شدیم گفتیم برویم ساحل با دریا دیدار تازه کنیم نفس‌مان تازه شود. بساط منقل و کباب به راه کردیم همان جالب آب، نوش جان کنیم. آفتاب شهرپور خوش بود و نسیمش مطبوع. جای شما خالی. آقای پسر پاچه‌های تنبان تا زده. لب آب مشغول بازی بود، از آن طرف آقای او داشت زغال باد می‌زد و خودمان هم که در به سیخ کشیدن چوجه‌ها ماهر و حاذق و زبردستیم مشغول بودیم که بفتتا کانهو قلیلی که روی دور تند باشد آسمان ابری شد و تا بیاییم به خودمان بچنینم باریدن گرفت به سیاقی که آتش منقل خاموش شده تشت جوجه‌ها غرق آب شد!

به طرقة‌العینی جمع و جور کرده به منزل مراجعت کردیم. جوجه‌ها را شسته، حاق قابلمه آب‌پز کردیم و خوردیم و عیش‌مان منقص شد. آن روز پشت پنجره به تماشای باران گذشت. فردایش به تماشای باران پشت پنجره گذشت... یک هفته تمام آسمان کانهو اشک چشم مادر فرزند از دست داده لایتنق طبع بارید. فرجه ما تمام شد بار بسته عزم مراجعت به شهر خودمان کردیم. از قدیم شنیده بودیم آسمان ولایات بریتانیا زده می‌بارد لکن هیچ کس جایی ننوشته بود آسمان شمال از بریتانیا هم زیادتر می‌بارد و عیش آدم منقص شده بدون جوجه لب دریا بوی ماه مدرسه در می‌آید.

اواخر تابستان گفتیم تا تعطیلات تمام نشده بوی ماه مدرسه در نیامده، برویم سفر. هرچه کردیم دیدیم به لحاظ بعد مسافت جز همین جاده جالوس خودمان و ولایات مازندران، هیچ مقصدی به صلاح نیست.

القصه بار و بنه بسته، سیخ و منقل مهیا کرده به راه افتادیم. از آنجایی که در زینت و شوهرداری به هزار هنر زینت داریم و از در فهم و کمالات سرآمدیم از ابتدای مسیر مداوم تخمه شکسته مغز خارج کرده مشت مشت به اکرام و احترام گذاشتیم کف دست آقای او. خودمان چای فوت کردیم به انضمام قند گذاشتیم لب دهنش. نان و کنتل شام کردیم به بله گرفتیم گذاشتیم کنار دنده که هر نوبه میش کشید نوش جان کند. الغرض هرچه هنر در چنته داشتیم روز کردیم مبادا خستگی رانندگی به جانش بیفتد لکن از تونل دوم به بعد ترافیک عارض شده هیچ اتولی مجال حرکت نداشت. اندک اندک آفتاب رسید صدر آسمان از گرما و تجمع و تراکم، خلق مان تنگ شده به سرگدا افتادیم. دل‌مان آشوب شده کلاب به روتیان هرچه دستتر و نان و پنیر و کنتل و چیپس و چای و لواشک و خیار و تخمه تناول کرده بودیم حاق دل و روده‌مان چرخ زده در رفت و آمد بود. همین حین سایرین انگار به مقصد رسیده باشند اتول‌شان ترک کرده، حوالی اکتاف جاده به سیر و سیاحت پرداخته و تیغ دره ایستاده و سلفی می‌گرفتند. منقل به راه کرده کباب طبخ می‌کردند. قلیان چاق کرده هندوانه قاچ می‌کردند... القصه انگار نه انگار گره کور به جاده افتاده کانهو اسرا زنجیر شده‌ایم!

چند ساعتی به همین منوال گذشت تا آخرالامر فتوح حاصل شده راه هموار شد. چه‌ها گذشت و چطور رسیدیم بماند. به هر طریق رسیدیم. جاگیر شده بار و بندیل و آورده ولو شده چند ساعتی خوابیدیم تا گیر و گرفت بند بند تن‌مان از این همه وقت یک جا ننشستن باز شود. بیدار که شدیم گفتیم برویم ساحل با دریا دیدار تازه کنیم نفس‌مان تازه شود. بساط منقل و کباب به راه کردیم همان جالب آب، نوش جان کنیم. آفتاب شهرپور خوش بود و نسیمش مطبوع. جای شما خالی. آقای پسر پاچه‌های تنبان تا زده. لب آب مشغول بازی بود، از آن طرف آقای او داشت زغال باد می‌زد و خودمان هم که در به سیخ کشیدن چوجه‌ها ماهر و حاذق و زبردستیم مشغول بودیم که بفتتا کانهو قلیلی که روی دور تند باشد آسمان ابری شد و تا بیاییم به خودمان بچنینم باریدن گرفت به سیاقی که آتش منقل خاموش شده تشت جوجه‌ها غرق آب شد!

به طرقة‌العینی جمع و جور کرده به منزل مراجعت کردیم. جوجه‌ها را شسته، حاق قابلمه آب‌پز کردیم و خوردیم و عیش‌مان منقص شد. آن روز پشت پنجره به تماشای باران گذشت. فردایش به تماشای باران پشت پنجره گذشت... یک هفته تمام آسمان کانهو اشک چشم مادر فرزند از دست داده لایتنق طبع بارید. فرجه ما تمام شد بار بسته عزم مراجعت به شهر خودمان کردیم. از قدیم شنیده بودیم آسمان ولایات بریتانیا زده می‌بارد لکن هیچ کس جایی ننوشته بود آسمان شمال از بریتانیا هم زیادتر می‌بارد و عیش آدم منقص شده بدون جوجه لب دریا بوی ماه مدرسه در می‌آید.

## فضای مجازی

### اهدای داروی ایرانی به مقامات اماراتی

حسین ابراهیمی، طلبه و فعال فرهنگی در توئیترش نوشت: «قابل توجه اصحاب خودتحقیری، رئیس مجلس در دیداری که با حاکم امارات داشته، دو قلم از داروهای ایرانی را که نشانه پیشرفت پزشکی کم‌نظیر در کشورمان است به ایشان هدیه داده که بن‌زاید پیشنهاد تولید این داروهای ایرانی را در ابوظبی داده است.»



### مدرک فوق لیسانس جادوگری در دانشگاه بریتانیا

الله‌کرم مشتاقی، کارشناس روابط بین‌الملل ضمن انتشار تصویری از اخبار دوره‌های درسی و مدرک کارشناسی ارشد جادو در دانشگاه‌های نروژ و بریتانیا در توئیترش نوشت: «رشته و واحد‌هایی درباره مطالعات نینجا، هری پاتر، دیوید بکهام، رابین هود، ماجراجویی، روانشناسی حیوانات، دلفک‌شناسی، طراحی دسته گل و... در دانشگاه‌های جهان وجود دارد! اما مثلاً اگر کسی از لزوم راه‌اندازی رشته‌ای با عنوان مطالعات محور مقاومت حرف بزند، فکرش را بکنید چه واکنشی خواهد دید.»



### فعال بودن بخش ناشنوایان در کتابخانه‌های عمومی

مهدی زرافشان، مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور نوشت: در کنار ارائه خدمات به عموم مردم در #کتابخانه‌های عمومی فارغ از هر ویژگی، گروه‌های خاص را هم فراموش نکردیم. حالا در هر استان یک بخش ناشنوایان فعال است و تولید محتوای ویدیویی و کتب ساده‌سازی شده، برگزاری برنامه‌های فرهنگی و کارگاه‌های آموزشی در حال انجام است.



### حال خوب با انیمیشن بچه‌زنگ

میکائیل دینی، فعال فرهنگی و مستندساز در توئیترش نوشت: «نتشتم توی پردیس سینمایی چارسو با بچه‌ها بچه‌زنگ می‌بینم؛ سالان پر از جمعیت است؛ همه مامان، باباها با بچه‌هاشون اومدند که به فیلم ببینند حالشون خوب بشه.»



### نهادینه شدن فرهنگ دلجویی ارزشمند است

عبدالله گنجی، فعال رسانه‌ای در توئیترش ضمن انتشار ویدیوی عذرخواهی و دلجویی فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان نوشت: «اقدام مسئولانه فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان بعد از رفتار غیرقانونی سربازش با یک منتهی؛ علاوه بر عزل رئیس کلانتری مربوطه، شخصاً از وی دلجویی می‌کند. رشد و نهادینه شدن این فرهنگ ارزشمند و این رفتار ستودنی است.»



# بچه‌ها به سمت قله

## سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان

اصفهان ۱۵ شهریور ۱۴۰۲

### 35th International Film Festival for Children and Youth

Isfahan. 7.12 October 2023

۱۵۷۹۲۱۹-۲۶۷۶